

بازپژوهی چستی و کارکردهای فوائد رجالی

سید محمدتقی شوشتری^۱ - حسن نقی زاده^۲

چکیده

فوائد رجالی اغلب همان داده‌ها، اصول، قواعد و مبانی دانش رجال است که بخش مهم و سترگ آثار رجالی شیعه را به خود اختصاص داده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بازپژوهی پیشینه و تعامل فوائد رجالی با دیگر علوم، به چستی و نیز چرایی تعریف نشدن آن از سوی بیشتر رجال پژوهان پرداخته و تعریف برگزیده را مورد بازنگری و بازنگاری قرار داده است.

کانون پژوهش حاضر بیان برایندها و برون دادهای فوائد رجالی، البته فقط در حوزه توسعه قواعد رجالی است که این مهم فراخور مقام و مقال و از طریق مرور چند گزاره، به توسعه قواعد رجالی در دو ساحت توثیقات خاص و عام، به عنوان دستاوردهای پژوهش، پرداخته است.

کلیدواژه: فوائد رجالی، چستی فوائد، بسط قواعد، دانش رجال.

مقدمه

فوائد رجالی یا به صورت مستقل با عنوان «الفوائد الرجالیه» یا در طلیعه، میانه و بخش

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).
Mohammadshostare.1398@gmail.com

۲. استاد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
naghizadeh@um.ac.ir

انتهایی آثار رجالی، حدیثی و ... با عنوان «فائده یا فوائد» و گاه با دیگر عنوان های همسو رخ نموده است. فوائد یادشده همان داده های پنهان و آشکار و نکات انبوه رجالی است که اساس بسیاری از قواعد رجالی به شمار آمده و در تکوین و تکامل این قواعد، نقشی سترگ ایفا کرده و دیرینگی آن به سده های آغازین برمی گردد.

اما آنچه در این میان غایب بوده یا به حاشیه رانده شده، بیان تعریف و ماهیت فوائد رجالی است که رجالیان یا بدان نپرداخته و از گفت و شنود درباره آن خودداری ورزیده اند، یا صرفاً به بعضی از اجزای ماهیت و زوایای آن اشاره کرده اند.

پژوهش حاضر بر آن است که افزون بر بیان فرایند پیدایی فوائد رجالی به پرسش های زیر پاسخ دهد:

- چگونه می توان فوائد را در قالب تعریف آورده و ماهیت آن را بیان کرد و چه براینده ای از آن متصور است؟

- فوائد چه خاستگاهی در تراث رجالی امامیه دارد و جستارهای مربوط به آن که تاکنون نگاه بسیاری را به خود جلب کرده، در آوردگاه اندیشه های گوناگون و ایستارهای مختلف کدام اند و چه ارتباطی با دیگر دانش ها می تواند داشته باشد؟

گرچه پژوهش حاضر را گنجایی این همه نیست و بضاعت اندک نویسنده از کاویدن همه زوایای آن ناتوان است، به اقتضای پژوهش به اندکی از بسیار بسنده شده است.

تحقیقات و تدقیقات در این عرصه گام های آغازین خویش را برمی دارد و از نظر پیشینه تا آنجا که نویسنده می داند، هیچ تحقیق بایسته و مشابهی فرا روی محققان قرار نگرفته است.

۱. جستارهای فوائد رجالی

درونمایه بیشتر آثار رجالی شیعه یادکرد نام و شرح حال راویان است که به دانش «اسماء الرجال» نام بردار شده؛ اما از روزگار علامه حلی و قرین وی، ابن داود حلی، نوآوری هایی با عنوان فوائد رجالی در آثار رجالیان جلوه کرده و به تدریج در قالب

کتاب‌هایی مستقل که می‌توان آن‌ها را کتاب‌های تحقیقی رجالی نامید، رخ نموده است. آثار یادشده غیر از فوائد رجالی‌ای است که در مقدمه، میانه و بیشتر در خاتمه کتاب‌های رجالی و همچنین کتاب‌های حدیثی، فقهی و اصولی دیده می‌شود. امروزه کمتر کتاب رجالی‌ای را می‌توان دید که در مقدمه یا خاتمه آن «فوائد» وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر فوائد رجالی، هم به صورت مستقل و هم در دل جوامع رجالی دیده می‌شود.

اولین کسی که به تألیف در این حوزه پرداخت و کتاب کم حجم و پربار مستقلی با عنوان *الفوائد الرجالیة* عرضه کرد، شیخ بهایی (م. ۱۰۳۱ق) است.

شیخ حسن عاملی، صاحب معالم (م. ۱۰۱۱ق)، فوائد رجالی را برای اولین بار در مقدمه کتاب حدیثی اش، *منتقى الجمان فى الاحادیث الصحاح والحسان*، در قالب دوازده فائده به نگارش درآورد که شیخ بهایی در کتاب *مشرق الشمسین* بعضی از آن‌ها را نقد کرد. گام نخست شناخت حالات راویان از راه اسناد، از سوی صاحب معالم برداشته شده و به وسیله دیگران تکمیل شد و توسعه یافت. لازم به ذکر است که پیش از صاحب معالم، شناخت راویان از طریق کتاب‌های روایی صورت می‌گرفت.

علامه حلّی (م. ۷۲۶ق) نخستین رجالی‌ای است که در خاتمه کتاب رجالی اش، *خلاصة الاقوال*، به ذکر فوائد رجالی با عنوان «الفائده» پرداخت. شیوه فوائدنگاری رجالی در بخش پایانی کتاب‌ها، به ویژه خاتمه کتاب‌های جوامع رجالی‌ای که نظام الفبایی به صورت کامل در آنها برقرار است، وام‌دار خلاصة الاقوال علامه حلّی است.

ابن داوود حلّی (م. ۷۰۷ق) پس از علامه حلّی نه تنبیه را برپایان بخش دوم کتابش افزوده است.

سید احمد بن طاووس به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های مدرسه حلّه، نخستین رجالی‌ای است که موضوع جرح و تعدیل و رفع تعارض میان گفته‌های رجالیان را بررسی کرده است. کتابخانه ابن طاووس چنان غنی بوده که اتان کُلبُرگ، اسلام‌شناس اسرائیلی، کتابی به نام کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او نوشته است. حلّ الاشکال فی

معرفه الرجال ابن طاووس به عنوان یکی از کهن‌ترین نوشته‌های رجالی که در آن پنج کتاب اصول اولیه رجالی شیعه تجميع و تنظيم شده، اولین جامع رجالی‌ای است که براساس نام راوی و حروف الفبا سامان داده شده است. این اثر منبع نقلیات علامه حلی و ابن داوود است. لازم به ذکر است که در مدرسه حله نظام راوی محور به جای نظام گزینه محور مورد اهتمام پیشینیان نشست و بررسی‌های سندی به تدریج در کتاب‌های فقهی پدیدار شد.

علامه حلی به عنوان پایه‌گذار روش اجتهادی با قرار دادن نام وکلای امام در بخش «فی من اعتمد علیه» در خلاصه الاقوال، مبتکر نظریه توثیق وکلای امامان شیعه علیهم‌السلام است. از دیگر ویژگی‌های علامه حلی این است که برخلاف اسلاف خویش بررسی سند روایات را با تحفظ بر نظام قراین، اولویت نخست خود قرار داد؛ شیوه‌ای که پس از وی نیز ادامه یافت. اهتمام مکتب حله و درس‌آموزان آن برای مباحث رجالی بیش از دیگران بود. شاگردان ابن طاووس شناخت احوال راویان را از بنیان‌های فقاہت به شمار آورده و برای هر مجتهدی لازم دانستند. علامه حلی و ابن داوود از اولین کسانی هستند که در آثار رجالی خود ذیل عنوان فوائد و تنبیهات به بررسی مشیخه فقیه و تهذیبین. با وجود تفاوت در ساختارهای داخلی و مبانی و معیارهای توثیق و تضعیف. پرداختند. اواخر قرن هفتم، یعنی عصر سید احمد بن طاووس و در اوایل سده هشتم، یعنی عصر علامه حلی و ابن داوود، مرز میان دوران متقدمان و متأخران در حوزه اعتبارسنجی احادیث است.

ترکیب «الفوائد الرجالیه» بر جبین بالغ برهشتاد اثر نقش بسته است. این فوائد از استوانه‌های علم رجال به شمار آمده و در میان تراث رجالی شیعه از جایگاهی سترگ و ارزشمند برخوردار است. تنوع و فراوانی فوائد که از آغاز بالندگی تا امروز بازه‌ای به طول هفت قرن را در بر می‌گیرد، به بیش از صدها فائده با دیگر عناوین همسومی رسد. وجود بی‌شمار فوائد یادشده مجموعه‌ای بسیار بزرگ و کارآمد و موسوعه‌ای بالغ بر ده‌ها جلد را فراهم می‌سازد. ظهور حداکثری منهج فوائدنگاری که بر نتایج حاصل از پژوهش‌ها و تدقیقات رجالی استوار است، در سده‌های متأخر رخ داده و در دو قرن چهارده و پانزده

هجری بانگی پرتنین و سیری شتابنده داشته است.

بررسی داده‌های موجود در آثار رجالیان حاکی از آن است که دیرینگی فوائد رجالی را، البته نه با عنوان فائده، در میراث رجالی پیشینیان باید جست. شعبه بن حجاج بصری (م. ۱۶۰ق) از راویان امام صادق علیه السلام که مؤسس رسمی دانش رجال (شبیری زنجانی، خارج فقه: ۱۴۰۲/۷/۲) و از نخستین مدوّنان حدیث به شمار می‌آید، اولین کسی است که در احوال رجال سخن گفته و به موضوع جرح و تعدیل راویان که از مقومات فوائد رجالی است، وسعت بخشیده است. کهن‌ترین کتاب مصطلح رجالی در شیعه نیز اگرچه نقل‌های اندکی از آن به ما رسیده از عبدالله بن جبلة کنانی (م. ۲۲۲ق) است. کنانی از راویان حدیث امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده و از واقفیه به شمار می‌آید.

در مکانات و ارجمندی فوائد رجالی همین بس که مجموعه چهار جلدی سید مهدی بحرالعلوم (م. ۱۲۱۲ق) که مشتمل بر سه بخش خاندان‌های محدّث، فوائد رجالی و شرح حال برخی از راویان، عالمان، امام‌زادگان و محدّثان است، به اعتبار همین فوائد سی‌وسه گانه مندرج در بخشی از جلد چهارم اثر یادشده، به «الفوائد الرجالية» نام بردار شده است.

بیشتر فوائد رجالی‌ای که شکل قاعده به خود گرفته‌اند، منتج و برگرفته از جوامع رجالی اولیه، کتاب‌های اسماء الرجال و مباحث رجالیانی چون نجاشی، کشی، شیخ طوسی و... هستند. مستند توثیقات عام و خاص به عنوان یک قاعده کاربردی و فراگیر رجالی که رجالیان به فراوانی در آثار خود به آن می‌پردازند، مطالب نجاشی، کشی و دیگران است؛ برای نمونه مستند توثیقات عام از قبیل: وثاقت مشایخ نجاشی، توثیق مشایخ و شاگردان جعفر بن بشیر، توثیق مشایخ و شاگردان محمد بن اسماعیل بن میمون زعفرانی، خاندان ثقات، تعابیر و آگاهانیدنی‌های نجاشی در کتاب رجالش است.

محمد بن علی اردبیلی (م. ۱۱۰۱ق) اولین رجالی شیعی است که نظام طبقات استاد و شاگردی را از طریق بررسی تمام راویان کتب اربعه احیا کرد و اولین کتابی که برای پاسخ به نیازهای اتصال سند و تمییز عناوین مشترک راویان براساس دیدگاه صاحب معالم به نگارش درآمد، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق والاسناد اوست. اردبیلی در این

کتاب، علم رجال را وارد مرحله جدیدی کرد. وی برای شناخت همه راویان و استادان و شاگردان آنان به طور مستقیم به سراغ اسانید و طرق رفت تا در مرحله نخست، نام همه راویان را شناسایی و استخراج و در مرحله دوم، شاگردان و استادان آنان را مشخص کند. اردبیلی با تمییز مشترکات، نام بسیاری از راویان مجهول را به دست آورده و بیش از دوازده هزار حدیث را از حالت ضعف و ارسال خارج کرد. این کتاب به عنوان حاشیه و مکمل تلخیص المقال میرزا محمد استرآبادی (م. ۱۰۲۸ ق) نوشته شده است.

فوائد رجالی با همه تکثرو پراکندگی، چنان از اطلاعات علمی، غنای داده و نکات ارزشمند آکنده اند که پژوهشگر علوم اسلامی از آنها بی نیاز نیست. فوائد بخش برجسته و ممتاز، مرتبط و در عین حال مغفول نگاشته های دانش رجال، به عنوان یکی از علوم حدیث و به عنوان مرجع اصلی پژوهشگران در پژوهش های رجالی و حدیثی به شمار می آید؛ چنانکه برخی از رجالیان به صراحت بیان می کنند که فوائد مندرج در تألیفاتشان ارتباط تمام به علم رجال دارد (قهپایی، بی تا: ۱۸۲/۷).

نیک پیداست که بسیاری از قواعد و اصول علم رجال مولود فوائد رجالی است. در واقع بیشتر قواعد رجالی ای که امروزه در کنار مقدمات و جرح و تعدیل و بررسی صفات راویان، محتوای علم رجال را شکل می دهد، همان فوائد رجالی ای است که حکم قاعده و قانون را یافته و تولید داده های انبوه رجالی را در پی داشته است. به درستی می توان گفت که فوائد رجالی زیربنای علم رجال را تشکیل می دهد و به توسعه و تدوین اصول و قواعد آن یاری می رساند. همچنین فوائد رجالی گره گشای بسیاری از پوشیدگی ها و پرسش های دانش رجال و در پیوند با مباحث رجالی است. این فوائد در برنمودن ناپیداهای دانش رجال و ریختن نقل های رجالی به دایره نقد، نقشی درخور به عهده گرفته و موجب چرخه ای منطقی می شود؛ چنانکه بیشتر فوائد رجالی در الفوائد الرجالیة قاینی بیرجندی نقد مشترکات کاظمی بوده و البته مشترکات نیز اصلاح جامع المقال طریحی است.

بسیاری از فوائد رجالی موجود در آثاری مانند الفوائد الرجالیة سید بحر العلوم، عدة الرجال اعرجی، فوائد الفوائد فی الرجال حسینی سبزواری و ... برگرفته از جوامع رجالی

پیشینیان است. علامه حلّی نیز توثیق و تضعیف‌های مشایخ ثلاثه، برقی، ابن غضائری، عقیقی و ابن عقده را در اثر رجالی‌اش مورد استفاده و استناد قرار داده است. شایان ذکر است بسیاری از توثیقات علامه حلّی از نجاشی اخذ شده؛ از این رو توثیقات اجتهادی وی بسیار اندک است. اعتماد به هرامامی مذهبی که مذمت نشده، یکی از توثیقات اجتهادی به شمار می‌آید. مجلسی توثیقات علامه حلّی و ابن طاووس را می‌پذیرد؛ اگرچه شهید ثانی و صاحب معالم نسبت به توثیقات آنان قائل به توقف هستند (کجوری شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۱۱).

نوشته‌های مشتمل بر فوائد غالباً نگاه جامع و فراگیر به شرح حال تک تک راویان را که در کتاب‌های رجالی سده‌های پیشین وجود داشت، فروگذاشته و در بیان امور کاربردی اهتمام کرده‌اند. در فوائد رجالی، مبانی رجالی نویسنده در چند فائده که جنبه قواعد به خود می‌گیرد و به عنوان اصلی علمی دارای کاربرد رجالی است، مطرح می‌شود. بسیاری از جوامع رجالی به ذکر مبانی رجالی‌ای که مؤلف آن‌ها را پذیرفته یا باید درباره آن‌ها اظهار نظر کند، اختصاص دارند. مقدمه تنقیح المقال که جامع‌ترین و محققانه‌ترین اثر رجالی شیعه به شمار می‌آید، قاموس الرجال و معجم رجال الحدیث، به عنوان روشمندترین کتاب رجالی در دوران معاصر و نیز نمود مبانی رجالی و اصولی نویسنده که خود فوائد یا از جنس فوائد رجالی است، از این دست آثارند. آصف محسنی (م. ۱۳۹۸ ش) در مشرعه بحار الانوار کوشیده تا براساس قواعد رجالی ذکرشده در الفوائد الرجالیة خود، روایات معتبر را از روایات نامعتبر بحار الانوار تفکیک کند.

صرف نظر از آنچه آمد، نهضت فوائدنویسی رجالی با فوائد بهبهانی (م. ۱۲۰۶ ق) که تعلیقه‌ای است بر منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال میرزا محمد استرآبادی (م. ۱۰۲۸ ق) به مثابه یک دایرة المعارف، ظهور کرد و با الفوائد الرجالیة بحرالعلوم (م. ۱۲۱۲ ق) و کجوری شیرازی (م. ۱۲۹۳ ق) ادامه یافت. لازم به ذکر است که کتاب کجوری شیرازی الهام یافته از تکمله‌هایی به عنوان فوائد در آثار رجالی صفویه، مانند جامع المقال و جامع الرواة است. یکی از مهم‌ترین مبانی رجالی وحید بهبهانی نگریستن به دیدگاه‌های نجاشی و شیخ

طوسی دربارهٔ راویان از منظر حجیت ظنی و نه حجیت یقینی بود. نکات و مبانی رجالی بهبهانی در دیگر آثار وی مانند، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان قابل دستیابی است؛ برای نمونه وی در الحاشیه علی مدارک الاحکام اصطلاح کثیرالرَوَات را دال بر توثیق و اعتبار راوی می‌داند.

۲. تعامل و ارتباط فوائد رجالی با دیگر علوم

چنان که آمد، بیشترین بخش حوزهٔ فوائدنگاری به قواعد، اصول و مبانی رجالی اختصاص دارد. تعامل فوائد رجالی با دیگر دانش‌ها را نیز باید در ارتباط علم رجال با دیگر دانش‌ها پی گرفت.

رابطه علم رجال با دیگر علوم در مقدمات و مبادی تصویری علم رجال که فوائدنویسان رجالی نیز بدان پرداخته‌اند، قابل دستیابی است. این تعامل با دانش‌هایی چون فقه، اصول فقه، درایه، تاریخ، تراجم و ... دوسویه است.

از آنجاکه هر دانشی از دانسته‌ها با شناخت‌های هم‌پیوند پدید می‌آید، هر علمی می‌تواند تا حدودی به حل مسائل دیگر علوم یاری رساند که در مبحث تداخل علوم از آن ذیل عنوان «اشتراک بعضی مسائل» بحث می‌شود؛ بدین معنا که مسئلهٔ یک علم می‌تواند مسئله علمی دیگر باشد.

علم رجال به دانش‌هایی که اشتراک در هدف یا غایت دارند یا نسبت عموم و خصوص بین آن‌ها برقرار است، کمک می‌رساند و البته از آن علوم بهره می‌برد.

رابطه علم رجال با دیگر دانش‌ها یک رابطهٔ درونی و از نکات کلیدی در تبیین ماهیت این علم و بالندگی آن است. به هر رو حضور مؤثر این علم در محتوای دیگر علوم امری عیان است.

افزون بر ورود متقابل مباحث رجالی و دیگر علوم، مانند بیان رموزی که فقها در آثارشان آورده‌اند؛ همچون احوط، اظهر و ... در فوائد رجالی (حسینی سبزواری، ۱۴۳۱: ۲۶۵) و کاربردهای اصطلاحی علم رجال در کتاب‌های اصولی‌ای مانند الوافیة فی اصول

الفقه تونی (م. ۱۰۷۱ق)، شاهد بهره‌گیری این دانش‌ها از علم رجال هستیم. توضیح مطلب اینکه از مباحثی مانند حجیت قول خبره، حجیت خبر واحد، دلیل انسداد و... که در شمار مبانی و گزاره‌های رجالی هستند، در اصول فقه گفت‌وگومی شود؛ چنانکه ابزار اصول فقه نیز برای قالب بندی قواعد دانش رجال به کار می‌رود (سند، ۱۴۲۹: ۹۲).

هندسۀ مساعی عالمان اسلامی بدین‌گونه نمود یافت که علم اصول فقه را برای تبیین حجیت کَلِّی روایات به کار بستند و علم رجال و فوائد آن را برای بیان مصادیق و صغریات رجالی و بیان حال راویان پی‌ریزی کردند و آنگاه با استفاده از این دو، اعتبار صدور روایات را به گونه‌ای کامل احراز کردند.

این همراهی تا آنجا پیش رفته که تعبیر نجاشی از تاریخ در ترجمان حال ابن غضائری را کتاب رجال دانسته‌اند. همچنین یکی از ظرفیت‌های علم رجال مدرسانی به علم تاریخ، به ویژه تاریخ اسلام و تشیع است؛ برای نمونه بهره‌گیری از شیوۀ روایی و بیان اسناد در شمار قابل توجهی از منابع پیشینی تاریخ اسلام، بازکاوی راویان و اعتبار یا بی اعتباری گزاره‌های خبری آنان را ضرورت می‌بخشد.

۳. چیستی فوائد رجالی

۱-۳. جایگاه تعریف در علوم

تعریف هردانشی بیان و چیستی آن دانش است و پرسش از چیستی یک مسئله یا موضوع علمی، پایه‌نخست تبیین و تحلیل آن مسئله در دانش است. به دیگر سخن، نخستین گام در بهره‌مندی از تصویری صحیح و دقیق از یک دانش، پرسش از چیستی آن است. شناخت جایگاه، موضوع، غایت و مسائل پیرامونی یک دانش از دیگر مؤلفه‌های کلیدی و محوری برای تحلیل دقیق‌تر آن به شمار می‌آید. در مقام تعریف یک دانش ناگزیر باید یکی از سه مسیر را سپری کرد: تعریف و تحدید موضوع، کشف هدف و غایت علم و تکیه کردن بر روش؛ بنابراین هویت هردانش به تعریف، موضوع، مسائل و پاسخ‌های آن بازبسته است.

عمده‌ترین اختلاف منطقیان دربارهٔ چیستی، نقش و اقسام تعریف به تفاوت در بیان نقش و هدف تعریف بازمی‌گردد: برخی چنان بر اهمیت تعریف تأکید دارند که گویی آن را هدف دانسته‌اند و نه طریق و برخی دیگر پرسش از چیستی را در شأن تحقیق علمی نمی‌دانند؛ از این رو تعریف از نظر آنان اعتباری بوده و اشتغال به تعریف امور تلاشی بی‌توفیق انگاشته می‌شود.

براین اساس، علم از دو منظر و با دو رویکرد مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد: نخست، «رویکرد گزاره‌محور یا اتمیک» و دوم، «رویکرد مجموعی یا سیستمیک». بنابراین علم یا به عنوان تک گزاره‌ای مشخص مورد تحلیل قرار می‌گیرد یا به عنوان مجموعه گزاره‌هایی منسجم و ساخت یافته مورد توجه قرار می‌گیرد.

رویکرد نخست که مفهوم علم را از روشن‌ترین و بدیهی‌ترین مفاهیم برشمرده و در اساس تعریف آن را ممکن نمی‌داند، غلبهٔ بیشتری در آثار منطقدانان و فلاسفهٔ اسلامی دارد (کاظمینی، هنرور، ۱۳۹۳: ۷۹). در نگرش این دسته از اندیشمندان، استحصال حدّ تام یک دانش مستلزم کشف ذاتیات آن و بازبسته به نفوذ عقل در کنه آن علم است که کار ساده‌ای نیست. بدین سان، این سخن که ارائهٔ «تعریف جامع و مانع هیچ‌جا فرمول و روش معینی نداشته و کشف حدّ تام همه جا محال یا نزدیک به محال بوده است» نیز می‌تواند معنادار باشد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

با این همه، از آنجاکه تمایز علوم بر تفاوت موضوع آنها استوار است و شناخت هرچند اجمالی از موضوع، شرط موفقیت در هرگونه فعالیت دربارهٔ یک علم است، نادیده انگاشتن اهمیت تعریف علوم خردمندانه نیست. در واقع باور به بداهت ماهیت علوم را باید نوعی ساده‌انگاری دانست. بدیهی است که تعریف ابزار شناسایی و بیان همهٔ ماهیت یک شیء است. دیدگاه عده‌ای از فیلسوفان را نیز که معتقدند با تعریف دقیق مفاهیم، مسائل فلسفی منحل خواهد شد، باید در همین راستا تحلیل کرد.

بدین‌گونه، تعریف را اگرچه نمی‌توان در شمار مسائل علوم قرار داد، در واقعیت امر ناچار باید آن را به عنوان یکی از بخش‌های تقریباً حجیم هر دانش پذیرفت.

فوائد رجالی که از قائمه‌های علم رجال به شمار آمده و بخش عمده‌ای از تراث رجالی شیعه را به خود اختصاص می‌دهد، چنانکه برجبین ده‌ها اثر اعم از مستقل یا در مقدمه، میانه و خاتمه آثار رجالی جای گرفته در پویه‌های رجال‌نگاران دچار اختلاف در تعریف و چستی یا فقدان تعریف و بیان ماهیت شده است.

۳-۲. چرایی عدم تعریف فوائد رجالی از سوی بیشتر رجالیان

سیاری از رجالیان نویسنده کتاب‌های تحقیقی رجالی و مؤلفان الفوائد الرجالیه تعریفی برای فوائد رجالی ارائه نداده و با استنکاف از بیان چستی آن، صرفاً به ذکر عنوان فائده یا فوائد بسنده کرده‌اند:

- صاحب معالم (م. ۱۰۱۱ق)، استرآبادی (م. ۱۰۲۸ق)، حسینی تفرشی (زنده در ۱۰۴۴ق)، طریحی (م. ۱۰۸۵ق)، محمد بن علی اردبیلی (م. ۱۱۰۱ق)، حرّعاملی (م. ۱۱۰۴ق)، ماحوزی بحرانی (م. ۱۱۲۱ق)، خراسانی کرباسی (م. ۱۱۵۱ق)، حسینی سبزواری (قرن ۱۲)، سید مهدی بحرالعلوم (م. ۱۲۱۲ق)، مازندرانی حائری (م. ۱۲۱۶ق)، شیخ انصاری (م. ۱۲۸۱ق)، خلیلی رازی نجفی (م. ۱۲۹۷ق)، ابوالمعالی کلباسی (م. ۱۳۱۵ق)، محدث نوری (م. ۱۳۲۰ق)، خاقانی (م. ۱۳۳۴ق)، ابوالهدی کلباسی (م. ۱۳۶۵ق).

- همچنین کسانی که در قید حیات‌اند یا در سال‌های نزدیک به ما درگذشته‌اند: موسوی زنجانی (م. ۱۳۹۹ق)، تستری (م. ۱۴۱۵ق)، آصف محسنی (م. ۱۳۹۸ش)، هاشمی گلپایگانی (م. ۱۳۹۹ش)، عادل هاشم (م. ۲۰۲۱م)، ترابی شهرضایی، ربانی بیرجندی، ابوالحسن، محمودی دشتی، حسینی صدر، عبدالرسول غفاری، حسینی قزوینی، شبوط ابراهیم، فواز حسن فوزی و رمیتی مجادلی .

درباره چرایی عدم تعریف، ذکر این نکته ضروری است که از دیدگاه این گروه، دانش رجال از علوم اعتباری شمرده می‌شود و ویژگی علوم اعتباری فقدان موضوع معین و

واحدی است که ذاتی مسائل این علوم است؛ چراکه موضوع در این علوم براساس نیاز، هدف، غایت و مقاصد تعیین می‌شود. علم‌شناسان نیز در طبقه‌بندی علوم، از «علوم آلی» و «علوم اصالی» یاد کرده‌اند. علوم آلی از جمله علوم اعتباری‌اند و در واقع ابزاری بیش نبوده، هدف‌مند نیستند و مقدمه‌العلم به شمار می‌آیند؛ مانند منطق و اصول فقه.

از نگاه یکی از دانشوران رجالی، فقدان موضوع واحد در علوم اعتباری سبب نظم‌دهی این علوم براساس احتیاجات و زوایای جدید می‌شود؛ از این رو علم رجال و در پی آن «فوائد رجالی» به عنوان مقدمه فقهت اصولی و اجتهاد فقهی، قابل تعریف نیستند؛ چنانکه آقا ضیاء عراقی (عراقی، ۱۳: ۱۸۵: ۵۸) و برخی دیگر بر این باورند که علم رجال بخشی از علم اصول بوده و ممهّد برای تحصیل حجت است. البته باید به نقش شگرف این دانش در هویت و اصالت تراث دینی نیز توجه داشت.

طیفی دیگر از رجالیان، فوائد را با قید وصفی بیان کرده‌اند:

- مهمّه: علامه حلّی (حسن بن یوسف، م. ۷۲۶ق)، جزائری (م. ۱۰۲۱ق)، شیخ حرّ عاملی (م. ۱۱۰۴ق)، سید محسن حسینی اعرجی (م. ۱۲۲۷ق)، علیاری تبریزی (م. ۱۳۲۷ق)، محمّد باقر قاینی بیرجندی (م. ۱۳۵۲ق)، سید محسن امین (م. ۱۳۷۱ق)، رمیتی مجادلی (معاصر).

- نافع: سید حسین ابرز حسینی حلّی (قرن یازدهم)، محمّد بن علی اردبیلی (م. ۱۱۰۱ق)، ابوعلی محمّد مازندرانی حائری (م. ۱۲۱۶ق)، سید علیاصغر جاپلقی بروجردی (م. ۱۳۱۳ق)، ابراهیم دنبلی خویی (م. ۱۳۲۵ق)، محمّد باقر قاینی بیرجندی (م. ۱۳۵۲ق).

- متفرقه: محمّد حسین حسینی (قرن ۱۳ و ۱۴)، جعفر سبحانی (معاصر)، محمّد رضا سیستانی (معاصر)، عادل هاشم (م. ۲۰۲۱م).

- جلیله: احمد بن عبدالرضا بصری (م. ۱۰۸۵ق)، عنایة الله قهپایی (قرن ۱۱)، محمّد باقر قاینی بیرجندی (م. ۱۳۵۲ق).

- جمیله، جزیه و اصیله: احمد بن عبدالرضا بصری (م. ۱۰۸۵ق) و خمسی سلطانی (م. ۱۳۰۷ق).

- شریفه: دنبلی خویی (م. ۱۳۲۵ق).

- فاخره: افندی اصفهانی (قرن ۱۱).

- متنوعه: آصف محسنی (م. ۱۳۹۸ش).

- مفیده: حسینی سبزواری (قرن ۱۲).

۳-۳. تعریف‌های ارائه شده از فوائد رجالی

برخی از رجال پژوهان فوائد رجالی را عنوانی آزاد می‌دانند که قابل انطباق بر بسیاری از مباحث رجالی و غیر رجالی است؛ از این رو ارائه تعریفی رسمی چنانکه مشتمل بر بسیاری از مباحث آن باشد، ممکن نیست. از نگاه ایشان، فوائد رجالی امور مختلف الحقیقه‌ای هستند که اغلب بدون غرضی خاص کنار هم قرار گرفته و مجموعه‌ای را شکل داده‌اند. برخی از مباحث آن از قبیل استطرا دیات و برابند ذوق و سلیقه نویسنده است. شمار دیگری از موضوعات نیز مطالبی متفاوت با مباحث اصلی کتاب است که برای پیشگیری از خلط با مباحث اصلی کتاب، ذیل عنوان فوائد قرار گرفته؛ بنابراین فوائد رجالی را که فاقد یک هویت ممتاز و مستقل است، نمی‌توان دانشی مستقل انگاشت.

عده‌ای از اصولیان متأخر امامیه علم رجال و به تبع آن فوائد رجالی را علمی متعلق به جزئیات دانسته‌اند و این بدان معناست که رجال نه علم به معنای اصطلاحی، بلکه به معنای لغوی بوده و صرفاً مجموعه‌ای از دانسته‌ها و اطلاعات انبوه و منظم است که طالب علم به تدریج با آن‌ها آشنا می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۸: رجال ۲۴: ۶۴۸).

در مقابل این دیدگاه، برخی مانند رشتی (م. ۱۳۱۲ق) آن دسته از فوائد رجالی را که به مثابه قواعد به شمار می‌آید از مقوله علم اصطلاحی برشمرده‌اند (رشتی، بی تا: ۲۷).

الفضلی (م. ۱۳۹۳ش) هر نوع استفاده علمی افزون بر دستاوردهای علمی را فوائد نامیده و آن را از قواعد جدا می‌کند؛ ولی در عین حال فوائد را موضوعات رجالی‌ای

می‌داند که بر جزئیات منطبق می‌شوند. از این رو او اسانید کافی را در ضمن فوائد گنج‌نامه؛ چراکه فقط بر کافی منطبق است (الفضل، ۱۴۲۰: ۸۷).

برخی نیز فوائد را زواید به شمار می‌آورند. فوائد و زوائد فی الرجال اثر محمد اسماعیل بن حسین (قرن ۱۳) از این دسته آثار است.

سبحانی قائل است که فوائد رجالی را نمی‌توان تحت ضابطه‌ای واحد قرار داد؛ چنانکه ابوالحسن در مقدمه کتابش می‌گوید که با ملاحظه برخی از مصنفات علم رجال، اموری را یافتیم که آن‌ها از روی قصور فوائد نامیده‌ام.

گروه دیگری از رجالیان فوائد را متعلق به مطالب رجالی می‌دانند و به ارتباطی تام و تمام بین فوائد و علم رجال قائل‌اند.

یکی از معاصران هم فوائد رجالی را همان قواعد یا مبانی رجالی نویسنده می‌داند که جنبه قاعده به خود گرفته و به عنوان اصلی علمی دارای کاربرد رجالی است (علی‌نژاد، بی‌تا: ۱۷۲).

بعضی از معاصران نیز فوائد رجالی را مجموعه‌ای از اطلاعات، داده‌ها و نکات متفرقه‌ای می‌دانند که رجال پژوهان با کاوش در اسناد و روایات کتاب‌های حدیثی و رجالی بدان دست یافته‌اند (رحمان ستایش، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

۳-۳-۱. تعریف برگزیده

بیشتر خوانش‌های یادشده، فهمی موجه از چیستی فوائد ارائه نمی‌دهد. با بررسی فوائد در آثار رجالیان در خواهیم یافت که افزون بر تعارض و ناسازگاری میان برخی از دیدگاه‌های یادشده، این تعاریف از رسم تام منطقی برخوردار نیستند و صرفاً به بعضی از اجزای ماهیت فوائد رجالی می‌پردازند. توضیح مطلب اینکه هدف این‌گونه از تعاریف، تمایز نسبی یا خلاصه فوائد رجالی از دیگر موضوعات است و نه بیان حقیقت و واقعیت دانش رجال؛ از این رو بیشتر مبین لوازم و آثارند و در نتیجه، تعاریف یادشده از فوائد رجالی دارای حد ناقص است.

به هررو نمونه‌های بسیار زیادی به عنوان فائده در فوائد رجالی آورده شده که نه داده‌هایی رجالی‌اند که از لابه‌لای اسناد روایات یافت شده باشند، نه قاعده رجالی، نه موضوعی رجالی که بتوان آنها را بر جزئیات انطباق داد و نه بیانگر مبانی رجالی عالمی رجالی؛ برای نمونه:

- وصیت ابن ادریس در السرائر (حسینی سبزواری، قرن ۱۲)، حفظ چهل حدیث (مرتضی انصاری، م. ۱۲۸۱ق)، توضیح حدیث مانند حدیث «خدا ما و قوامنا من شرار خلق الله» (جاپلغی بروجردی، م. ۱۳۱۳ق)، فضیلت علم حدیث (محدث نوری، م. ۱۳۲۰ق)، عدم کراهت یا حرمت علم نجوم (خلیلی رازی، م. ۱۲۹۷ق)، وفات کلینی، تبیین فاسق در آیه نبأ (شیخ بهایی، م. ۱۰۳۱ق)، نقل روایات درباره معرفت منازل الرجال، اصطلاحات و رموزی که فقها در کتاب‌هایشان بیان کرده‌اند، تاریخ و مدت خلافت خلفا (حسینی سبزواری، قرن ۱۲)، تعداد احادیث کتاب‌های روایی (آصف محسنی، م. ۱۳۹۸ش)، اقوال در نام شهید ثانی، توضیح واژه ترجمه (ابوالمعالی کلباسی، م. ۱۳۱۵ق) و همچنین ذکر کتاب‌هایی مانند تفسیر المیزان علامه طباطبایی، مستمسک عروة الوثقی سید محسن حکیم و الغدیر امینی (محمد مظفری، م. ۱۴۲۳ق).

بدین سان برای تعریف و بیان ماهیت فوائد رجالی که در گذر ایام پیدا شده، نمی‌توان حدّ و رسمی ارائه کرد که جامع تمامی موارد موجود ذیل این عنوان یا مطاوی کتاب‌های رجالی باشد و در عین حال، مانع ورود مواردی که با عناوین همسوی دیگر ظهور و بروز یافته‌اند.

شاید به علت دشواری در تعریف فوائد رجالی و ناکامی در بیان ماهیت آن، برخی از رجالیان در خاتمه کتاب‌های رجالی خود از تعبیر «فوائد» استفاده نمی‌کنند؛ بلکه از عناوینی چون «امور»، «تنبیه» و ... سود می‌جویند (طریحی، م. ۱۰۸۵ق؛ سند، معاصر). تغییر نام کتاب آصف محسنی از «الفوائد الرجالیه» به بحوث فی علم الرجال نیز شاید به این علت باشد (آصف محسنی، م. ۱۳۹۸ش).

چنانچه از بیان چیستی و ماهیت فوائد رجالی ناگزیر باشیم، به نظر می‌رسد پس از

پیراستن، غربالگری، ساماندهی و تفکیک فواید رجالی از زواید و فواید فراوان مربوط به دیگر دانش‌ها و البته به‌رغم تمامی ظرافت‌ها و نکته‌ها، تلفیق تعریف رحمان ستایش و علی‌نژاد با اندکی تصرّف و افزوده به رسم تام منطقی نزدیک باشد:

«مجموعه‌ای از گزاره‌ها، داده‌ها و نکات کلی و عمومی و در بعضی موارد جزئی و در عین حال مختصر و گزیده که رجالیان آن‌ها را از میان اسناد و اخبار کتاب‌های گوناگون اعمّ از حدیثی، فقهی، رجالی، تاریخی، تراجم و ... به دست آورده‌اند و می‌توانند از مبانی رجالی نویسنده به شمار آیند». بخشی از این فواید به صورت قاعده و قانون رجالی رخ نموده، بخشی مباحثی اختلافی است که در میان رجالیان بروز نموده،^۱ بخشی صرفاً دارای جنبه خبری و بخشی دیگر تبیین و توضیح یک موضوع رجالی است .

۴. برایندها

برایند نتیجه‌ای است که از یک فرایند یا کنش شکل گرفته است؛ بدین سان برایندهای فواید رجالی به نتیجه‌هایی اشاره دارد که از فرایندها، کنش‌ها یا تغییرات در علم رجال به دست می‌آید.

این نتایج نشان‌دهنده ارزش، جایگاه و اهمیت دانش رجال در تحلیل داده‌ها و ارزیابی روایات است.

برایندهای فواید رجالی در دو ساحت تأسیس و بسط قاعده قابل پیگیری هستند که در پژوهش حاضر تنها به بسط قواعد رجالی بسنده شده است.

۴-۱. بسط قواعد رجالی

قواعد و اصول یک دانش به‌عنوان مبنای نظری و عملی آن دانش عمل کرده و به پژوهشگر مدد می‌رساند تا به درک عمیق‌تری از موضوعات آن دانش دست یابد؛

۱. مانند نقد نظریه ناصحیح شیخ حرّعاملی درباره توثیق تعدادی از راویان به وسیله مامقانی در فائده هفتم از فائده سی‌ام تنقیح المقال وی.

موضوعاتی که پیچیده و سیال اند.

بسط یک قاعده رجالی به معنای گسترش و تعمیم آن قاعده به زمینه‌ها و موارد جدیدی است که رجال پژوهان می‌توانند از آن برای تحصیل مسائل پیچیده استفاده کنند و به نتایج دقیق‌تر و فهم نکته‌های بیشتری دست یابند. این امر افزون بر تقویت بنیان‌های نظری دانش رجال و غنابخشی به آن، در حل مسائل علمی و ایجاد وحدت رویه و تحقیقات بین رشته‌ای کمک‌رسان است.

چنانکه گفته شد، بیشتر قواعد رجالی را می‌توان از دامن فوائد رجالی برکشید. در واقع فوائد مصدر قواعد رجالی است و قواعد ثابت و پذیرفته شده رجالی را می‌توان با تأمل در فوائد موجود در آثار رجالیان بسط و توسعه داد.

این مهم را می‌توان در توثیقات عام و خاص پی گرفت.^۱ حکم به وثاقت راویان به یکی از دوروش توثیق خاص یا توثیق عام انجام می‌پذیرد:

۴-۱-۱. توثیقات خاص

از آنجاکه با یادکرد جمعی از راویان که با اوصاف و نام‌های مشخصی تحسین، تمجید و توثیق می‌شوند، راهی به توثیقات خاصه گشوده شده و به وثاقت افراد معینی حکم شده است، می‌توان خاندان‌های حدیثی برشمرده در ذیل را که آحاد راویان آنها به علت

۱. تقسیم قواعد توثیق به خاص و عام براساس تحقیقات و تدقیقات وحید بهبهانی صورت پذیرفته است. توثیق خاص که در مقابل توثیق عام تعریف می‌شود، توثیقی است که در آن موضوع گزاره رجالی، اغلب جزئی و مخصوص یک راوی است که الفاظ دال بر وثاقت او از ناحیه امام علیه السلام یا رجالیان رسیده باشد. در این نوع از توثیق، گاهی بیش از یک نفر با اسامی و عناوین مشخص تمجید می‌شوند؛ مانند: ثقات امیرالمؤمنین علیه السلام که حضرت به عبیدالله بن ابی‌رافع فرمودند: «أَدْخِلْ عَلَيَّ عَشْرَةَ مِنْ ثِقَاتِي، فَقَالَ: سَوَّهَم لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: أَدْخِلْ أَصْبَغَ بْنَ نَبَاتَةَ...» (ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۲۳۵-۲۳۶).

اما در توثیق عام، راویان به صورت ضمنی و در قالب عناوین کلی توثیق می‌شوند. به عبارت دیگر توثیق در توثیقات خاص به دلالت مطابقی و در توثیقات عام به دلالت تضمنی است.

تنصیص یکی از امامان علیهم السلام یا پیشینیان از اعلام و رجالیان مانند کُشی، نجاشی و... توثیق شده‌اند، در زمره توثیقات خاص به شمار آورده، دامنه آن را وسعت بخشید. لازم به یادآوری است که برخی از رجال پژوهان شرح حال دودمان و خاندان حدیثی را یکی از مناهج رجالی به شمار می‌آورند. سید مهدی بحر العلوم در جلد اول الفوائد الرجالیه این شیوه را دنبال کرده و برای بسیاری از خاندان‌های روایی عنوان و شرح حالی ذکر کرده است. این منهج به علت اشراف بوضعیت راوی از نظر تربیت و رشد خانوادگی و اطلاع از ویژگی‌های شخصی و اقلیمی که در آن رشد کرده و تأثیر آن جغرافیا بر فرایند سلوک و رشد معنوی وی و... از دیگر شیوه‌ها و مناهج، ممتاز است.

۴-۱-۱-۱. خاندان حدیثی

- از موثقین: آل ابی اراکه، آل ابی صفیه، بنی ابی سیره، بنی حکیم ازدی، بنی دَراج، بنی رباط، بنی سابور، بنی سوقه، بنی عبدربه، بنی عطیّه، بنی عمار بجلی دُهنی، بنی فرقد، بنی موسی، بنی میمون، بنی نعیم صحاف، بنی هیثم و بنی یسار؛
- از ممدوحین: آل حیّان تغلبی، ابی الجهم، ابی ساره (رواسی) و بنی خالد برقی قمی (بحر العلوم، ۱۳۶۳: ۱/۲۰۳-۴۷۱).

۴-۱-۲. توثیقات عام

این توثیقات تا ۴۶ توثیق^۲ متغیر است. با بررسی فوائد رجالی در کتاب‌هایی با همین عنوان یا فوائد موجود در مقدمه، میانه و خاتمه آثار رجالی شیعه و با دقت در آرای

۱. مدح کاشف از حسن ظاهر و اهتمام در راستای جمع‌آوری قراین از منظر برخی رجالیان همچون (سبحانی، ۱۴۱۰: ۱۵۷) در زمره توثیقات خاص قرار می‌گیرد.

۲. دلبری دامنه توثیقات عام را به ۴۶ مورد توثیق کشانده و از آن میان، کم‌تر از بیست مورد را پذیرفته است (دلبری، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۰۲). خوبی چهار توثیق عام را پذیرفته (موسوی خوبی، ۱۴۱۰: ۱/۵۷-۸۳) و آصف محسنی ۴۴ توثیق عام را برشمرده و از آن میان، دو قاعده را پرفایده دانسته و بقیه را ضعیف و با صحیح کم‌اثرانگاشته است (آصف محسنی، ۱۴۳۲: ۱۴۰۲).

فوائدنگاران و صرف نظر از نگره‌ها و دیدگاه‌های مختلف ایشان درباره اعتباریابی اعتباری، توثیقات عام را می‌توان در چهار عنوان کلی ذیل پی گرفت و دامنه آن را گسترش داد.

۴-۱-۲-۱. راویان قابل اعتماد معصومین علیهم‌السلام

اصحاب مرضی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، باقی ماندگان بر منهج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در زمان حیات ایشان دچار انحراف نشده‌اند، منکران خلافت ابوبکر، شرطة الخمیس، شهدای طف، ابواب (بواب) معصومین علیهم‌السلام، کسانی که قیّم بر امور امام علیه‌السلام بوده‌اند، گواهان از سوی امام علیه‌السلام، صاحبان سزّامان علیهم‌السلام، وکلا، خادمان و کاتبان برگزیده امام علی علیه‌السلام، حواریون معصومین علیهم‌السلام و همچنین اصحاب، اولیا و اصفیای امیرالمؤمنین علیه‌السلام و... (مامقانی، ۱۴۳۱: ۲/۳۷).

۴-۲-۱-۲. راویان یادشده در کتاب‌های پیشینیان

- راویان کتاب عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه

احسائی، مشهور به ابن ابی جمهور (متوفای پس از ۹۰۱ق)، در مقدمه کتابش بیان می‌کند که تمامی هفت طریق نقل شده از روایات عوالی اللئالی به شیخ طوسی و از شیخ طوسی به امامان علیهم‌السلام منتهی می‌شود. او سپس می‌افزاید که سه طریق نیز به شیخ صدوق می‌رسد (حسینی صدر، ۱۳۸۸: ۸۳).

- راویان کتاب تحف العقول ابو محمد حسن بن شعبه حرانی

از مقدمه کتاب حرانی به دست می‌آید که او همه روایاتش را از ثقات گرفته است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۳۰/۱۵۶).

- راویان کتاب مصباح کفعمی

توثیق همه راویان اسانید روایات کفعمی از مقدمه کتاب او فهمیده می‌شود: «وقد جمعت من كتب معتمد علی صحّتها مأمور بالتمسک بوثقی عروتها» (نوری طبرسی، ۱۴۱۵: ۱/۱۵۷).

- راویان دو کتاب الرحمة والمنتخبات سعد بن عبدالله اشعری قمی صدوق طریقی به عبدالله دارد و شهادت می دهد که آنچه را از وی روایت می کند، صحیح السند است که متأخرانی مانند قهپایی آن را صحیح می دانند. در نتیجه این امر، وثاقت هر راوی ای که بین سعد و امام در دو کتاب یاد شده واقع شده باشد، ثابت است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۵).

- راویان کتاب احمد بن عبدالله بن خانبه وی کتابش را به امام حسن عسکری علیه السلام عرضه کرد، حضرت آن را خواندند و فرمودند صحیح است، به آن عمل کنید (همان جا).

- راویان کتاب یوم و لیلۃ فضل بن شاذان نیشابوری وی کتابش را به امام حسن عسکری علیه السلام عرضه نمود و مشمول رحمت حضرت قرار گرفت (همان جا).

- راویان روایت کننده کتاب عبدالله بن ابجر یازان امام علی علیه السلام فتاوی و قضاوت های بی شمار حضرت را گردآوری کردند و ایشان آن را به منزله دستورالعمل حکومتی و اجرایی برای امرا و کارگزاران خود ارسال کرد. این کتاب را ابو عمر عبدالله بن سعید عتّان (حیّان) بن ابجر کنانی معروف به ابو عمرو المتطیب که کوفی و طبیب بود، به حضور امام صادق علیه السلام عرضه می دارد و مورد تأیید امام قرار می گیرد. کتاب یاد شده که به نام عبدالله بن ابجر مشهور است، در بردارنده قضاوت هایی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که چون اغلب ناظر به «دیات» بوده، به کتاب دیات نام بردار است و از آنجا که در طریق نقل آن، نام «ظریف بن ناصح» وجود دارد به کتاب ظریف نیز مشهور است (اردبیلی، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۸۵).

۱-۲-۳. راویان مورد اعتماد اعلام

- توثیقات ابن نمیر

وی از ثقات زیدیّه است و چنانچه معلوم شود فردی را که موثق دانسته شیعه بوده، توثیقاتش مورد قبول است. علیاری تبریزی نیز می گوید: اگر توثیقات علی بن حسن بن

فضال مورد قبول قرار گیرد، توثیقات ابن نمیر نیز پذیرفته است؛ چراکه وی کم‌تر از ابن فضال نیست (علیاری تبریزی، بیتا: ۱/ ۱۸۷). به باور مامقانی در صورتی که قرینه قوی‌ای ضمیمه توثیقات ابن نمیر شود و از این طریق، وثاقت راویانی که ابن نمیر بر او گواهی داده، ثابت گردد؛ مانند ابوالهیثم خالد بن عبدالرحمن عطار، توثیق وی مورد پذیرش است (مامقانی، ۱۴۲۳: ۲/ ۲۱۷).

- هر راوی‌ای که متکلمان شیعه، مانند سید مرتضی از او روایت نقل کرده باشند مثل محمد بن هارون بغدادی مشهور به ابو عیسی و ژاق (م. ۲۴۸ ق) صاحب کتاب المقالات که از متکلمان قرن سوم است (علم‌الهدی، ۱۴۴۱: ۱/ ۸۹).

۴-۱-۲-۴. راویان کثیرالمدح

- راویانی که از فراوانی و تنوع الفاظ مدح برخوردار باشند مانند ثعلبة بن میمون مکتبی به ابواسحاق که از زاهدان زمانه خود بوده؛ اگرچه نجاشی لفظ «ثقه» را درباره او به کار نبرده است (میرداماد، ۱۴۲۲: ۸۸).

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری فواید رجالی به سده‌های آغازین هجری قابل ارجاع است. آگاهانیدنی‌های نجاشی، کشی، شیخ طوسی و ... در آثار رجالی‌شان، بستر شکل‌گیری فواید را که منتهی به قواعد و مبانی رجالی شد، فراهم آورد. رجالیان متأخر مانند ابن طاووس، علامه حلی، ابن داوود حلی، شیخ بهایی، طریحی، اردبیلی، وحید بهبهانی و ... در تکوین و تکامل، هویت بخشی، قاعده‌مندی و کاربرد بخشی به فواید‌نگاری رجالی نقشی سترگ ایفا کردند. قواعد یادشده نیز در خدمت دانش‌هایی مانند فقه، اصول فقه و ... قرار گرفت و به حل مسائل آن‌ها یاری رساند.

بیشتر رجال پژوهان از ارائه تعریف فواید رجالی و بیان چیستی، چرایی و همچنین علت عدم تعریف آن اجتناب کرده یا دچار اختلاف شده‌اند و البته آنانی که در صدد بیان ماهیت فواید برآمده‌اند، نتوانسته‌اند تعریفی منطقی و جامع و مانع ارائه دهند.

پس از غربال کردن فوائد رجالی از فوائد دیگر دانش‌ها، تعریف فوائد رجالی به «مجموعه‌ای از گزاره‌ها و داده‌های مختصر که از میان کتاب‌های گوناگون به دست آمده و قالب قانون و قاعده به خود گرفته است و جزء مبانی رجالی نویسنده به شمار می‌آید»، به حدّ تام نزدیک تراست.

برایند فوائد رجالی‌ای که به شکل‌های مختلف در تراث رجالی شیعه خودنمایی می‌کند، به دو صورت تأسیس و بسط قاعده قابل ارائه است. از صورت بسط قاعده، برای نمونه می‌توان در توسعه توثیقات عام و خاص بهره جست و از صورت تأسیس قاعده در ساحت‌های گوناگونِ راویان، روایات، نسخه‌ها، رویکردها، اسناد و قواعد ترکیبی استفاده کرد که در پژوهش حاضر تنها به ارائه مجموعه‌هایی از بسط و توسعه قواعد رجالی بسنده شده است.

منابع

۱. آصف محسنی، محمد، *بحوث فی علم الرجال*، مرکز المصطفی‌العالمی للترجمة والنشر، قم، ۱۴۳۲ق.
۲. ابن ابی جمهور، ابراهیم، *عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن طاووس، علی، *کشف المحجّة لثمره المهجّة*، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.
۴. ابوالحسن، سید علی، *الفوائد الرجالیة و یلیه الانتصار لصحة الکافی للناثینی*، ذوالقربی، قم، بی تا.
۵. اردبیلی، محمد، *جامع الرواة و رافع الإشتباهات*، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۴۲۳ق.
۶. استرآبادی، میرزا محمد، *منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال*، مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث، قم، ۱۴۲۳ق.
۷. انصاری، مرتضی، *رجال الشيخ الأنصاری*، دار الکفیل العتبة العباسیة المقدسة، کربلا، ۱۴۴۱ق.
۸. بحر العلوم، سید مهدی، «رجال» *السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالیة*، منشورات مکتبة الصادق، تهران، ۱۳۶۳ش.
۹. پاکتچی، احمد، *رجال*، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۲۴، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۸ش.
۱۰. جزائری، عبدالنبی، *حاوی الأقوال فی معرفة الرجال*، جلد ۴، ریاض الناصری، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، مؤسسه آل‌البتیة

- لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۲ق.
۱۲. حسینی اعرجی، سید محسن، *عدة الرجال*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
 ۱۳. حسینی سبزواری، سید جعفر، *فوائد الفوائد فی الرجال*، ستاره، قم، ۱۴۳۱ق.
 ۱۴. حسینی صدر، سید علی، *الفوائد الرجالیة*، دلیل ما، قم، ۱۳۸۸ش.
 ۱۵. حلّی، تقی‌الدین الحسن بن علی بن داود، *کتاب الرجال*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ق.
 ۱۶. خلیلی رازی نجفی، *سبیل الهدایة فی علم الدراییة و الفوائد الرجالیة*، منشورات الفجر، بیروت، ۱۴۳۰ق.
 ۱۷. دلبری، سید علی، *آشنایی با اصول علمی رجال*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۹۵ش.
 ۱۸. رحمان ستایش، محمدکاظم، *آشنایی با کتب رجالی شیعه*، سمت، تهران، ۱۳۸۹ش.
 ۱۹. رشتی، میرزا حبیب‌الله، *بدائع الافکار، مؤسسة آل‌البيت لإحياء التراث*، قم، بی‌تا.
 ۲۰. سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
 ۲۱. سند، محمد، *بحوث فی مبانی علم الرجال*، مدین، قم، ۱۴۲۹ق.
 ۲۲. شوشتری، سید محمدتقی و دیگران، «سیرتطور فوائدنگاری، مطالعه موردی فوائد الرجالیة در تراث شیعه»، *مشکوٰة*، سال ۴۳، شماره ۱۶۳، تابستان ۱۴۰۳ش.
 ۲۳. طوسی، محمد، *اختیار معرفة الرجال المعروف بالرجال الکشی*، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، تهران، ۱۴۲۴ق.
 ۲۴. عراقی، ضیاء‌الدین، *مقالات الاصول*، المطبعة العلمية، نجف، ۱۳۵۸ق.
 ۲۵. علامه حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال*، الطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱ق.
 ۲۶. علم الهدی، سید مرتضی، *الشافی فی الإمامة*، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۴۴۱ق.
 ۲۷. علیاری تبریزی، ملا علی، *بهجة الأمال فی شرح زبدة المقال*، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشان‌پور، بی‌جا، بی‌تا.
 ۲۸. علی‌نژاد، ابوطالب، *دانش رجال*، نشر، قم، بی‌تا.
 ۲۹. فرامرز قراملکی، احد، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۸ش.
 ۳۰. الفضلی، عبدالهادی، *أصول علم الرجال*، مؤسسة أم القرى للتحقیق و النشر، بیروت، ۱۴۲۰ق.
 ۳۱. قهپایی، عنایة‌الله، *مجمع الرجال*، اسماعیلیان، قم، بی‌تا.
 ۳۲. کاظمینی، سید محمدحسین و محمدامین هنرور، «موضوع و ماهیت علوم انسانی و جایگاه آن در منظومه علوم با تأکید بر آرا و نظریات فارابی»، *قبسات*، سال ۱۹، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۳ش.
 ۳۳. کجوری شیرازی، مهدی، *الفوائد الرجالیة*، دار‌الحديث، قم، ۱۴۲۴ق.
 ۳۴. کلباسی، ابوالمعالی، *الرسائل الرجالیة*، دار‌الحديث، قم، ۱۴۲۲ق.
 ۳۵. مامقانی، عبدالله، *الفوائد الرجالیة من تنقیح المقال فی علم الرجال*، مؤسسة آل‌البيت لإحياء التراث،

- قم، ۱۴۳۱ق.
۳۶. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین*، بنیاد فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۷. مظفری، محمد، *فوائد الرجالية*، المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۵ق.
۳۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة*، آثار الشیعة، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۹. میرداماد، محمدباقر، *الرواشح السماویة*، دار الحديث، قم، ۱۴۲۲ق.
۴۰. نجاشی، احمد، *فهرست أسماء مصنفي الشيعة*، دار المحجة البيضاء، بیروت، ۱۴۳۴ق.
۴۱. نمازی شاهرودی، علی، *مستدرکات علم رجال الحديث*، شفق، تهران، ۱۴۱۲ق.
۴۲. نوری طبرسی، حسین، *خاتمة مستدرک الوسائل*، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۵ق.
۴۳. وحید بهبهانی، محمدباقر، *فوائد الوحيد البهبهانی*، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

شبیبری زنجانی، خارج فقه ۱۴۰۲/۷/۲، <http://ijtihadnet.ir>